



ساده و بی تکلف با مردم
رئیس دولتی که
وعده پوشالی نمی دهد

صفحه ۶



شنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۳
 ۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۶
 ۷ سپتامبر ۲۰۲۴
 سال بیستم
 شماره ۵۷۲۱
 ۱۲ صفحه
 ۱۰۰۰۰ تومان

اولویت های مهم دولت چهاردهم زیر ذره بین قرار گرفت

شمارش معکوس برای

عمل به وعده ها

با دستور پزشکیان وزارت علوم بازگشت استاید اخراج شده را کلید زده است و خبرها از گوشه و کنار نیز حکایت از برنامه ریزی دولت برای رفع فیلترینگ دارد، اما پزشکیان با اولویت های دیگری نیز چون مذاکرات رفع تحریم، حل مساله گشت ارشاد و رفع مشکلات معیشتی نیز روبروست.

به گزارش خبر آنلاین، مشکلات اقتصادی و عدم ثبات قیمت‌ها مردم را به ستوه آورده است، سرعت پایین و اختلال اینترنت و هزینه سنگین خرید فیلترشکن مردم را کلافه کرده است، بلاتکلیفی وضعیت گشت ارشاد مردم را سردرگم کرده است، تنش‌ها و فشارهای خارجی ناشی از تحریم، جنگ‌های منطقه‌ای، عدم پیوستن به FATF و... نیز مردم را نگران تر از همیشه برای آینده کرده است. اما مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری جدید که خود از گلابه مندان وضعیت فعلی در ایام نمایندگی مجلس و بعد از آن در ایام تبلیغات انتخاباتی ریاست جمهوری بود قرار است با چه دست فرمانی به این مشکلات ورود کند؟ نسخه او و دولتمردانش برای کاهش فشارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی چیست؟ کدام موضوع برای دولت اولویت دارند و ...

«ها باید کاری کنیم که زنان ما در همان جایگاه خود نتوانند زمینه ساز حیات طیبه در جامعه باشند. نوع برخورد ما با زنان و وضعیت آن‌ها با آنچه ما فکر می‌کنیم فرق می‌کند، چگونه است. واقعیت گشت ارشاد و این موضوعات برانزده جامعه اسلامی نیست و وقتی از بیرون به ما نگاه می‌کنند، سخنانی که از کرامت و انسانیت می‌گویم را از ما نمی‌پرسند.» «هر کسی که عمیقا می‌فهمد و برای آینده تصمیم می‌گیرد باید ببیند به نفعش است یا ضرر آن، اگر به ضرر است باید دست برداریم ۴۰ سال می‌خواهیم حجاب را درست کنیم اما بدتر کردیم، مداخله افراد به نام طرح نور ما را به سمت سیاهی می‌کشاند.»

شرح درصفحه ۶



محمدعلی وکیلی

سرمقاله



دوقطبی سازی حول وفاق ملی!

رهاورد پزشکیان در آوردگاه قطبی شده سیاسی کشور، مفهومی بنام وفاق ملی است. پزشکیان به شعار وفاق ملی بسنده نکرد بلکه دولت‌ش را تجلی وفاق ملی قرار داد. تابلوی ورود به دولت‌اش را وفاق قرار داده است. البته بسیاری از فعالین و همراهانش تاکنون اقدامات وفاقی‌اش را هضم نکرده‌اند و هنوز ماه عسل دولت پایان نیافته، شروع به نقد و آیه یاس خواندن کردند. در سوی دیگر ذینفعان سیاست وفاق ملی (رقیبان پزشکیان) برخوردشان متفاوت است.

جریان آقای قالیباف که بیشترین سهم سیاست وفاق را برده‌اند، موضعی حمایتی دارند. آقای قالیباف علاوه بر کمک به رای آوری کابینه، در هفته گذشته طی سخنرانی افشاگرانه و هشدارگونه اعلام کرده‌اند، عده‌ای به‌دنبال ناکام گذاشتن دولت پزشکیان هستند و گفتند ناکامی پزشکیان مساوی با ناکامی کل نظام است. همچنین آقای شیخ پناهیان که در گذشته خود محور دوقطبی‌سازی‌های زیاد در سپهر سیاسی کشور بود، این‌بار با تغییر رویکرد و با تاسی از آقای قالیباف ضمن مذموم شمردن دوقطبی‌سازی و نام آوردن از روزنامه کیهان و اطلاعات، نقطه عطف جدید در آرایش سیاسی شدند.

نام آوردن از کیهان به‌عنوان مثال حکم خوردن مبهوه ممنوعه را داشت و بسیاری از مخاطبین‌اش حکم اخراج‌اش از دایره خودی را امضا کردند. اما جریان پناذاری که خود را بازنده سیاست وفاق ملی می‌داند همچنان در حال آرایش و بازسازی جریان‌ی و باز آفرینی نیروی تخریبی خود جهت مقابله با دولت پزشکیان است.

ادامه درصفحه ۶



بررسی حوادث یک فصل و سه هفته
 سرریزگری نکونام در استقلال
دو خط موازی که احتمالا
یکدیگر را قطع کنند

صفحه ۵



وزیر کشور
 خیر داد
اخراج اتباع بیگانه
غیرمجاز در اسرع وقت

صفحه ۶



پزشکیان می‌تواند متفاوت عمل کند؟
راه‌سخت
ارتباط با غرب

صفحه ۱۱

علت اصرار روسیه برای ایجاد کریدور زنگرور و نگرانی ایران چیست؟

مناقشه جدید در قفقاز می‌داند که ممکن است به جنگی گسترده منجر شود. آمریکا و اروپا، به ویژه فرانسه، با فروش سلاح به ارمنستان در تلاشند نفوذ خود را افزایش دهند. این وضعیت به نفع کشورهای قفقاز نیست، زیرا ارمنستان به تاژگی از جنگ قریب‌آخ خارج شده و می‌تواند منابع خود را برای توسعه صرف کند.

در صورت بروز مناقشه‌های بین روسیه و غرب، ارمنستان ممکن است به سرنوشته اوکراین دچار شود و جمهوری آذربایجان نیز با مشکلاتی مواجه خواهد شد. بنابراین، موضع ایران در مخالفت با دالان زنگرور به تقویت صلح و دوستی در قفقاز کمک کرده و به نفع کشورهای این منطقه است.

آمریکا و روسیه بعد از مدت‌ها در موضوع دالان زنگرور به توافق خواهند رسید؟
 آمریکا در چندین بیانیه رسمی از سوی کاخ سفید، خواستار ایجاد کریدور زنگرور در داخل ارمنستان و برقراری ارتباط میان نخجوان، ترکیه و جمهوری آذربایجان شده است.

علی اکبر ولایتی در گفت‌وگویی با شبکه‌های میادین به این نکته اشاره کرد که پوتین پیش از بحران اوکراین تأکید کرده بود که مرزهای قفقاز همان مرزهای دوران شوروی است. اما با شدت گرفتن تقابل‌ها، قاطعیت روسیه در این منطقه کاهش یافت و در آمریکا و ترکیه مطرح شد که تنها مخالف دالان زنگرور، ایران است.

در مقابل این دیدگاه، برخی از کارشناسان روابط بین‌الملل معتقدند آمریکا به دنبال حذف ایران و روسیه از معادلات منطقه است. در رابطه با همین موضوع حسن بهشتی‌پور، تحلیل‌گر مسائل اوراسیا معتقد است که سیاست غرب در قفقاز جنوبی با هدف حذف ایران و روسیه تنظیم شده است.

اصولاً سیاست غرب این است که ایران را از هرگونه همکاری حذف کند و منافع ژئوپلیتیکی ایران را مسدود کند و اجازه ندهند که ایران وارد همکاری با کشورهای دیگر شود. بر مبنای این تحلیل اصرار روسیه بر ایجاد کریدور زنگرور را باید یک نمایش سیاسی برای جلب رضایت آذربایجان و حمایت از آن در مقابل ارمنستانی دانست که چرخشی عاشق‌وار ما، دلسوخگان واقعی فوتبال ما و... حرص

تسلیمات به هر دو کشور یک توازن میان آن دو ایجاد کرده و از این طریق بحران منطقه را مدیریت کند. پس از خروج نیروهای صلح روسیه از منطقه قره‌باغ، ارمنستان چنین تصور می‌کرد که از سوی روسیه طرد شده است. محمود شوری کارشناس حوزه قفقاز در همین رابطه معتقد است که «جمهوری آذربایجان در رابطه با ترکیه و جمهوری خودمختار نخجوان در یک بن‌بست ژئوپلیتیک قرار دارد و جمهوری اسلامی ایران از طریق اجازه دادن در استفاده از خاک ایران برای ارتباط میان باکو و نخجوان، عملاً به‌نوعی نقش خود را در بازی ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی تعریف کرده است و می‌توان حوزه‌های جدیدی را برای همکاری با سه کشور قفقاز جنوبی تعریف کرد.»

اما در طرف مقابل روسیه به دنبال گسترش روابط خود با آذربایجان برای رفع تحریم‌ها غربی‌ها است. بر اساس همین اقدامات، ارمنستان به دنبال کاهش روابط خود با روسیه است.

روایت ایران با آذربایجان
 شهید امیرعبداللهیان، وزیر خارجه پیشین کشورمان پس از بازگشایی سفارت آذربایجان از فصلی جدید در روابط دو کشور سخن گفت. به گفته امیل اودالیانی استاد دانشگاه تفلیس عامل اصلی بهبود روابط تهران و باکو تمایل مشترک هر دو طرف به ثبات منطقه‌ای، حسن‌نیت ژئوپلیتیک و همکاری‌های اقتصادی به‌ویژه در حوزه کریدور بین‌المللی مواصلاتی شمال- جنوب است که شامل یک مسیر ریلی برای اتصال هند به روسیه، از طریق آذربایجان و ایران است. این عملیات نشان می‌دهد باکو بلندپروازی‌های خود در خصوص گشایش کریدور زنگرور را کنار گذاشته است. اگر چه ایران به دنبال گسترش روابط خود با آذربایجان است اما همکاری‌های این کشور در خرید تسلیحات از رژیم صهیونیستی و فروش نفت به آن بستر نگرانی‌هایی برای ایران فراهم کرده است. مضاف بر اینکه با تاسیس کریدور زنگرور ایران مرز مشترک خود را با ارمنستان از دست داده و تنها با آذربایجان هم‌مرز خواهد شد. می‌شود به ابعاذ دیگر موضوع نگرینست

محسن پاک آیین سفیر سابق ایران در آذربایجان هم با اشاره به این موضوع معتقد است که جمهوری اسلامی ایران باز شدن دالان زنگرور را مقدمه‌ای برای بروز یک

این دالان به آذربایجان اجازه می‌دهد تا بدون نیاز به پست‌های بازرسی ارمنستان، به استان سیونیک دسترسی داشته باشد. این وضعیت موجب قطع روابط مرزی ایران و ارمنستان می‌شود. در این راستا، زنگرور به عنوان یک دالان ژئوپلیتیکی شناخته می‌شود که مسیر ترانزیت ترکیه به باکو را از استان آذربایجان شرقی ایران جدا می‌کند.

ادوات قفقاز جنوبی نقش حیاتی در ژئواستراتژی ایران دارد. احداث کریدور زنگرور می‌تواند تهدیداتی برای ابعاد مختلف امنیتی ایران در زمینه‌های امنیت انرژی، امنیت ژئوپلیتیکی و حتی مسائل فرهنگی داشته باشد. این منطقه از زمان‌های گذشته به عنوان بخشی از تمدن ایران شناخته شده و در طول تاریخ تحولات مختلفی را تجربه کرده است. در حال حاضر، این منطقه به عنوان یک فضای استراتژیک بین دو دریای سیاه و خزر، قرار دارد و نقش بسیار مهمی در انتقال انرژی، برقراری صلح و ثبات و ایجاد توازن در منطقه ایفا می‌کند.

نگاه روسیه به کشورهای آقماری سابق
 با شروع جنگ اوکراین، پوتین در تلاش است تا متحدانی در میان کشورهای مشترک المنافع سابق خود داشته باشد و بتواند به کمک این کشوره فشار تحریم‌ها غرب را کاهش دهد. در همین راستا در هفته گذشته دیداری با رئیس جمهور آذربایجان داشته است که از بیانیه مشترک آن‌ها مطلبی در این خصوص استنباط نمی‌شود اما مشخصا توجه روسیه به همکاری با متحدان فعلی‌اش بیشتر شده است ولی در این میان طرح موضوع کریدور زنگرور نگرانی‌های ایران را در خصوص این متحد راهبردی افزایش داده است.

رهبر معظم انقلاب در دیدارهای جداگانه‌ای که با روسای جمهور روسیه، ترکیه و ارمنستان داشتند بر مخالفت ایران مبنی بر تغییرات ژئوپلیتیکی در قفقاز تأکید کردند، مقامات کشورمان نیز بارها مخالفت خود با ایجاد این کریدور ارتباطی را اعلام کرده‌اند.

واکنش روسیه و ایران به منازعات میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان

ایران در منازعات میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان هم از کاهش درگیری و ثبات در منطقه حمایت کرده است اما به ادعای برخی کارشناسان روسیه بر آن بوده تا با فروش

منطقه قفقاز جنوبی نقش حیاتی در ژئواستراتژی ایران دارد. احداث کریدور زنگرور می‌تواند تهدیداتی در ابعاد مختلف برای ایران و منطقه قفقاز داشته باشد اصرار روسیه بر ایجاد کریدور زنگرور را باید یک نمایش سیاسی برای جلب رضایت آذربایجان و حمایت از آن در مقابل ارمنستانی دانست که چرخشی محسوس به سوی غرب داشته است اما ارمنستان باید نگران این باشد که به سرنوشته اوکراین دچار نشود.

به گزارش ایلنا، کشورهای آذربایجان و ارمنستان در خاکش‌های جهانی بخشی از منطقه قفقاز جنوبی به حساب می‌آیند که از قرن نوزدهم تبدیل به محلی برای رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی شدند. جنگ‌های میان جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان از زمان استقلال این کشورها از شوروی آغاز شده و ناشی از سیاست‌های شوروی در تغییر یافت جمعیتی منطقه است که روسیه امروزی نیز با استمرار همان سیاست‌ها به دنبال اعمال نفوذ در این دو کشور است.

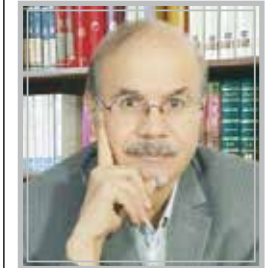
ایران در درجه اول به جهت سیاست همسایگی و بعد به دلیل مشترکات تاریخی که با این دو کشور دارد، نسبت به وقایع و رویدادهای این منطقه حساسیت نشان می‌دهد.

در حال حاضر، علاوه بر ایران و روسیه، نقش ترکیه نیز در این منطقه بیشتر شده است و جمهوری آذربایجان برای ترکیه اهمیت زیادی دارد. قدرت‌های غربی مانند اتحادیه اروپا و آمریکا به دلیل منابع انرژی آذربایجان و موقعیت جغرافیایی آن، توجه بیشتری به قفقاز جنوبی نشان می‌دهند.

با ایجاد کریدور زنگرور باید با همسایه قدیمی خود خدافظی کنیم
 پس سه دهه درگیری میان این دو همسایه قدیمی یعنی ارمنستان و آذربایجان، طرح همکاری میان آن‌ها به پیشنهاد روسیه مطرح شده است. سخنگوی وزارت خارجه روسیه در سخنان اخیر خود موضوع گشایش کریدور زنگرور را به طور جدی اعلام کرده است. دالان زنگرور به عنوان یکی از مسیرهای کلیدی حمل‌ونقل، جمهوری آذربایجان را از طریق ارمنستان به روسیه و ترکیه متصل می‌کند و امکان ارتباط بین آسیا، اروپا و خاورمیانه را فراهم می‌آورد.

یادداشت

حسرت های بنیادین یک ملت



محمدعلی‌نویدی
 منظور من از حسرت « regret » یعنی پشیمانی و افسوس خوردن و احساس غم و اندوه و اسف داشتن است. وقتی می‌گوئیم ای دریا آرزو داشتیم با موفقیت برگردم، حیف که با حسرت برمی‌گردم، یعنی حالتی را بیان می‌کنم که حالت نادمت و از دست رفته است. به گمان بنده حسرت‌ها دو نوع هستند:

۱- حسرت‌های فرعی که قابل جبران و تلافی می‌باشند؛ مثل، عدم موفقیت در کنکور یا بیماری گذرا و دچار خسارت مالی شدن و غیره. ۲- حسرت‌های بنیادین که قابل جبران و تلافی نیستند. بنابراین، بسیار بجاست به حال ملتی که موجب حسرت‌های بنیادین شده است و در ارکان و عناصر زندگی جاری ساخته است، تأسف و افسوس خورده شود. ملتی که سرچشمه و منبع و منشأ خوردورزی، دناشوری را خشک‌انگیده باشد، عواطف و هیجانات و شور و شوق و شعور زندگی را پژمرده و فسرده باشد، و آرزوها و رویاهای نسل‌های خود را منجمد و منقبض نموده باشد و مهم‌تر، عقل‌ها و عقلانیت‌ها و اندیشه‌ها و اندیشیدن‌ها و کوشیدن‌ها و اثرآوری در آن ملت به خواب رفته باشد و مغفول گشته باشد. آری، حسرت و افسوس عمیق و بنیادی در چنین وضعیتی ظهور و بروز می‌کند؛ و خسارت و خسران جبران‌ناپذیری پیش می‌آورد.

حسرت‌ها ذهن و ضمیر ملت‌ها را در گذشته نگه می‌دارند و آنان را در ساعت غفلت متوقف و انجمد می‌سازند. حیرت‌بی‌اثر نتیجه حسرت بیهوده و بی‌فایده است و در عالم تحیر و تعجب زندگی‌سازی و آینده‌پردازی امری عبث و ایترا باقی می‌ماند. باری، حسرت‌های بنیادی شالوده و شیرازه زندگی آدمیان و ملل و جوامع را از هم می‌گسند و می‌پاشند و متلاشی می‌سازد. پرسش اصلی در این باره این است که حسرت‌های بنیادین چیستند و چگونه ظهور و بروز می‌کنند؟ حسرت‌های بنیادین ریشه در دوری و جلی‌وطن‌دارند، وطن‌تنها یک اقلیم و محدوده سرزمینی خاص نیست، وطن با زاده شدن و زادگاه و وضعیت اگریستانسپال و افکتیال « وجودی-اثری » ما نسبت هستی و اثرمندی دارد؛ وطن وجود، در حقیقت، ساخت خردمندی و آشیانه ماؤوس و ماؤلوف زیست‌ماست. آدمیان در اصل از جنس خرد و خردمندی و متعلق به ساخت عقلانیت هستند نه از جنس جهالت و حماقت و بی‌خردی و بی‌کاری. فلذا، حسرت‌های بنیادین یک ملت و جامعه، زمان‌های دوری از ساحات خوردورزانه و عقلانیت‌اثریش و کار و کوشش سازنده هستند؛ این اوقات جدایی از اخلاق و فرهنگ و ادب و ادبیات و هنر و موسیقی و تمدن است؛ این اعصار زمان فراموشی اصالت و انسانیت اصیل انسان می‌باشد. حسرت‌های بنیادین، همان افسوس‌ها و تأسف‌ها و تأثیرهای گذر عمر و اتلاف اوقات نقد و امیل زندگی در خصوصت‌ها و ستیزه‌ها و جنگ‌ها و جدال‌ها و جدل‌های بیهوده است. حسرت بنیادی، حسرت ایستادن در خشم و غضب و بی‌خردی ست. آری، اتلاف عمرها و عصرها و نسل‌ها، خسارت و حسرت جبران‌ناپذیری ست. وقتی زندگی معقول و منطقی را از آدمی بیستانند و او را به امر دست‌نیافتنی حواله دهند و در وعده و وعید نگه دارند، افسردگی و عقب‌ماندگی و فقر و فلاکت سراغ انسان می‌آید و حسرت را بجای نصرت به ارمغان می‌آورد. غفلت شهروندان و ظلم و ستم‌گمران از عوامل ایجاد حسرت‌های بنیادین می‌باشد.

بسیار حائز اهمیت است که دقت کنیم و در سطح و مرتبه احساسات و هیجانات و مناسک بی‌اثر و بی‌خاصیت نمانیم و به اصل‌ها و معرفت‌ها انتفات کنیم تا طراوت و سربسزی را به واقعیت زندگی برگردانیم و در راه و مسیر رشد و بالندگی قرار بگیریم و وضعیت خود را دربراییم. حسرت‌ها با میل به خردمندی‌ها و اندیشه‌ورزی‌ها و کارهای عاقلانه کاهش می‌یابد. مراقب باشیم عقل‌مان بخواب زمستانی نرود و همواره در پویایی و شکوفایی بماند و بدانیم به میزان آگاهی و آزادی از خرافات و خواب‌های تسمعی دور خواهیم شد. پادمان باشد ملتی که در حسرت‌های بنیادین بماند و تفکر و تلاش سنجیده و اثریش و نافع را به نسیان بسپارد، هرگز در تاریخ فرهنگ و تمدن جایگاه شایسته و سزاوار نخواهد داشت. حسرت‌های بنیادین زمان‌های زندگی سوز یک ملت هستند. مثل حمله مغولان، اعراب و شاید افغان‌ها.

یادداشت

عبدالله دارابی

تیم ملی فوتبال ایران در برابر تیم ملی قرقیزستان با ارائه یک بازی پرانفقاد یک بر صفر پیروز شد. زور تیم ما در برابر بازی بسته قرقیزستان‌ها بیش از یک گل نبود. وقتی به توقف تیم‌های قدر کوه جنوبی و عربستان مقابل فلسطین جنگ زده و اندونزی نگاه می‌کنیم این برد هرچند خفیف را پاس می‌داریم، اما کیفیت نمایش تیم ملی را که مرور می‌کنیم، نگران و دلسرد می‌کنیم و متأسفانه انرژی از بهبود آن و حتی ملی مدت‌هاست در همین مدار سیر می‌کند و متأسفانه انرژی از بهبود آن و حتی میلی به تغییر در آن مشاهده نمی‌شود! این معضل را باید در نگاه و توان کادر فنی جستجو کرد. کادری که به رهبری امیر قلعه‌نویی وعده تغییر نوع بازی تیم ملی در زمان کپروش را به فوتبالی هجومی و هماهنگ داده بود، اما تاکنون در چنین روندی همراه با پایداری در تیم دیده نشده و با این فرمان نیز دیده نخواهد شد. حال آنکه با وجود افزایش سهمیه‌ها برای حضور در جام جهانی و آسان شدن و به نوعی حتمی بودن وضعیت صعود ما بدان، انتظار می‌رفت که بازی‌های تیم ملی

حرص کدام را باید خورد؛ کیفیت بازی خود؛ کیفیت بازی ملی یا کیفیت زمین بازی؟

عزمی اساسی برای حل پایدار و اصولی آن به چشم نمی‌خورد؛ گویا اگر برخی فقط در زمستان به خواب عمیق می‌روند ولی برای مسوولین ما همیشه ایام، زمستان است و موسم خواب نازا!
 اگر از تسایو ارزشمند فلسطین جنگ زده در زمین کره جنوبی گفتیم باید از زمین باکیفیت عراق مبتلا به ناآرامی و خرابی‌های چندین سال اشغال و جنگ در شهر بصره نیز بگوییم که بهت خود ما را نیز موجب شده است، حال آنکه گفته می‌شود مسوول کشت و نگهداری زمین‌های باکیفیت برخی استادیوم‌های آنها، شرکتی ایرانی است؛ آب در کوزه و ما تنهنه لبان می‌گردیم؟!
 فوتبال قدمت دار ما، هوادار عاشق ما، دلسوخگان واقعی فوتبال ما و... حرص کدام یک را بخورند؛ کیفیت تیم ملی یا زمین بازی؟!
 وقت آن نرسیده از این عقب‌ماندگی‌ها ارتفاع بگیریم؟ وقتش که مدت‌هاست رسیده اما مسوولین توانا در ارتفاع دهندگی از جایگاه خود بازمانده‌اند! آن‌ها را بیاییم و در جایگاهشان قرار دهیم.